

باید خدا را شکر نمود که توزیع ثروت و اصلاحات
ارضی در مملکت ما آغاز شده است و دارد
مراتب و مدارج تحقق و از قول بفعل آمدن را
می پیماید .

در ایران پول را با فعل خوردن صرف می کرده اند!

پول و تربیت

این ایام که اولین ایام بهار ۱۳۴۳ است در شهر ژنو که شهر کنفرانسهای
بین المللی شده کنفرانسی منعقد است که درباره اش مینویسند بزرگترین
کنفرانس بین المللی است که تا کنون در دنیا انعقاد یافته است . از ۱۳۳۳ کشور
بسیار از یک هزار نماینده رسمی در آن شرکت دارند و علاوه بر این نمایندگان
رسمی عده زیادی هم مشاورین فنی و منشی و حسابدار و روزنامه نویس و
خبرنگار و کارشناس آمده اند و روزنامه ها مقاله های زیادی هر روز درباره
مذاکرات کنفرانس مینویسند و اشخاص بصیر و خبیر در مجله ها اظهار نظر
مینمایند و رادیو و تلویزیون اخبار مذاکرات و مباحثات و وقایع گوناگون
این کنفرانس کلان را و حتی اخباری را که بکلی جنبه شخصی دارد انتشار
میدهند از قبیل اینکه مثلاً امروز نماینده فلان کشور در کدام رستوران صرف
ناهار نموده و رئیس فلان هیئت نمایندگی از فلان مغازه ساعت فروشی یک
ساعت مچی که حتی در زیر آب هم کار میکند خریداری نموده و قس علی هذا .
همین امروز راقم این سطور که برای گذراندن ایام نوروز و قدری
استراحت از ژنو خارج گردیده و در دهکده ای بنام ورکون در بالای کوهی
بسمیرم روزنامه ای خریدم با نام «مبزلوزان» (تربیبون دولوزان) و در
آنجا در شماره روزی ام مارس ۱۹۶۴ مقاله ای بقلم یک نفر از صاحب نظران
بی طرف سوسی موسوم به رونه بووه (René Bouey) خواندم که بسیار پسندیدم
و دیدم حقیقتاً هر که گفته درست گفته است که «حرف حق یک کلمه» و این
مرد حقیقت گو کیفیت این کنفرانس را در نهایت سادگی و پوست کندی و
اختصاری بیان کرده است و خواستم چکیده آن مقاله را برای هم وطنان بفرستم
و داوریه های دیگر را در باب کنفرانس و نتایج احتمال آن بهوش و ذکاوت
خوانندگان و امیدگذارم .

عنوان مقاله ازین قرار است:

«مغرب زمین در مقابل دسته سوم کشورهای دنیا» (۱)

نویسنده در ابتدای مقاله از خوانندگان خود می پرسد که آیا این

(۱) "Tiers monde" اصطلاحی است که در این اواخر بسیار

شیوع پیدا کرده است.

همه نمایندگان و کارشناسانی که از آن همه کشورها واقایم گوناگون و از اقطار و اکناف کره زمین در این عمارت بزرگ بین‌المللی که « کاخ ملل » نام دارد جمع شده‌اند زبان یکدیگر را خواهند فهمید و یا آنکه همچنانکه در باره برج بابل در کتابهای مقدس مذهبی میخوانیم تبلیل‌السنه مانع خواهد شد که زبان همدگر را بفهمند و الفاظ و کلمات را بیک معنی و مفهوم استعمال نمایند .

سپس میگوید نمایندگان کشورهای که بنام « گروه سومین » در این کنفرانس حضور دارند (۲) با استثنای معدودی نمایندگان کشورهای هستند که تازه قدم بمیدان بین‌المللی مینهند ولی در کنفرانس رویهمرفته دارای اکثریت هستند و معلوم است که تقاضایشان بیشتر از عرضه است یعنی آنچه را مطالبه میکنند بر آنچه میتوانند بدهند مبلغی می‌چربد و چنانچه خطری متوجه کنفرانس باشد از همین رهگذر است و بیم آن میرود که مباحثات بیشتر جنبه « چغولی » و « توقع » داشته باشد تا جنبه مذاکرات عملی .

آنگاه نویسنده مقاله میگوید که کنفرانس تشکیل یافته است از نمایندگان سه گروه کشور:

۱- گروه کشورهای دارا و « توانگر » (۳) که نام دیگرشان ممالک غربی (و یا باصطلاح ما فرنگستان آزاد است) .

۲- گروه ممالک کمونیستی اروپائی .

۳- گروه « تهی‌شکمان » (Ventres Creux) افریقائی و آسیائی

« در میان این سه گروه میتوان ممالک امریکای جنوبی و ممالک عربی را اجاداد که « دارای مجموعه‌هائی از صحراهای لم‌بزرع (۱) هستند و از این صحراها گذشته مالک محصولی هستند که طالب بسیار دارد و اسمش نفت است .

« اگر بخواهیم اصول توزیع عادلانه و برابری را رعایت نمائیم حرفی نیست که باید ثروت کره ارض را بطور عادلانه و منصفانه قسمت بکنیم بطوری که هر کس بسهم خود برسد . در این که کرورها از افراد بنی آدم گرسنه و نیم گرسنه‌اند حرفی نیست و با زبان همه میگویند که این شکمها را باید سیر کرد . چیزی که هست این نوع فکر و نظرها « انسانیت پرورانه » میخوانند و بدبختانه از این طرز فکر و اندیشه که جنبه اخلاقی دارد گذشته این مساله جنبه‌های دیگری هم دارد که همانا جنبه‌های تجارتي و سیاسی است و آنجاست

(۲) البته میدانید که ایران ما را هم جزو همین دسته بشمار

می‌آورند .

(1) "Collectionneurs de déserts"

که پای خر در گل میماند چونکه از لحاظ «نوع پروری» باید اذعان نموده که هنوز راه حلی برای این مساله بفرنج پیدا نشده است و گمان نمی رود که این کنفرانس هم بتواند راه حلی برای آن پیدا نماید و همین قدر است که بتوانند از پاره‌ای موارد بحرانی و شدید جلوگیری نمایند و بفریاد محتضرائی که در حال ترع هستند برسند و نگذارند دز اطراف جهان اینهمه کودکان خردسال طعمه مرگ و میر بشوند. برای ما اروپائی‌هائی که هرگز تلخی گرسنگی را نچشیده‌ایم مشکل است درست معنی کلمه گرسنگی را بفهمیم و من بدون آنکه بخواهم خود را «واقع بین» و «قسی‌القب» (۲) جلوه بدهم اقرار مینمایم که اگر این کلمه «گرسنگی» امروز مرقدری متاثر میدارد در اثر تبلیغاتی است که بوسیله رادیو و روزنامه‌ها و وسایل بین‌المللی دیگر آن همه بعمل می‌آید و یقین دارم که اکنون دو قرن میشود که قحطی و مجاعه از صفحه اروپا برطرف شده است و البته مدتی طول خواهد کشید تا از سطح زمین برافتد و از میان برود.

« مساله‌ای که مورد بحث ماست جنبه دیگری هم دارد که با اخلاق و مذهب سروکار پیدا میکند باین معنی که گاهی انسان از خود می‌پرسد آیا برآستی لازمست که اینهمه بچه هر روز بدنیا بیاید (بخصوص در ممالک فقیر و تهیدست که مدام بر نفوس آنها می‌افزاید). مسلم است که این قبیل سخنان بگوش اشخاص حساسی که زود تحت تأثیر عواطف قلبی و اخلاقی واقع میشوند سخت و ناهموار می‌آید و حتی نسبت کفر بدان میدهند اما چیزی که هست واقعیت تحت الشعاع احساس قرار نمی‌گیرد و چه بسا عواطف قدرت محو ساختن حقیقت امر را ندارد و با این نوع درمانها نمیتوان از عهده درد برآمد. بنظر میرسد که باید مردم را براهی که معقول است هدایت و ارشاد نموده و از طرف دیگر لازم است که بهر ملت و قومی فهمانید که باید از خاک و آب و ثروتهای طبیعی دیگر خود و حتی از محصول غذائی خود که حیوانات مقدس هم جزو آنست بقدر کافی و چنانکه شاید و باید استفاده نمود. این همان کاری است که مدتی است با اسم «همکاری فنی» شروع شده و در افواه است اما متأسفانه برای اینکه واقعاً جامعه عمل پیوشد و تحقق کلی حاصل نماید باز زمان مدید لازم است و چندین نسل طول خواهد کشید و کار امروز و فردا نیست. »

« کاری که فعلاً عملی و شدنی است همان کاری است که چند نفر از نمایندگان در همین آغاز کار در کنفرانس تذکر داده‌اند و آن عبارت است از اینکه جنس و محصول آنها را بقیمت بهتر و مناسب‌تری بخریم و این قیمت را حتی المقدور ثابت نگاه داریم و هر روز تنزل ندهیم تا این کشورهای گروه سوم بتوانند با اطمینان خاطر برای آبادی و رفاه فردای

خود نقشه های لازم را تهیه نمایند و دست بکار بشوند و این امر مقدور و میسر نخواهد گردید مگر از طریق قراردادها و مقاوله نامه های بین المللی که حتی المقدور جنبه جهانی داشته باشد و شکی نیست که یکی از مواد عمده برنامه کنفرانس کنونی ژنو همین مسأله خواهد بود و حرفی نیست که در طول جریان این کنفرانس که سه ماه طول خواهد کشید این موضوع مکرر بمیان خواهد آمد و مطرح خواهد شد و یکی از کار های اساسی کنفرانس خواهد بود .

« این کنفرانس از کشمکشهای عیان و نهان سیاسی و بازیهای «پلتیک» هم مصون و درامان نخواهد ماند . ما قبول داریم که کشورهای «توانگر» (۱) درقبال ممالک تهیدست کمکهای رسانده اند که لابد گاهی هم مبنی بر پارهای منافع و مصلحتهای شخصی خود آنها بوده و کاملاً محضاً لله نبوده است و تصدیق داریم که چون مبنی بر پارهای منافع و مصالح است ممکن است تأثیرش هم بیشتر باشد . مغربزمین اگر بخواهد یقه خود را از لگه شرم انگیز استملاک و استعمار و «کولونی یالیسم» پاک سازد باید با خاطر پاک و نظر خیرخواهی وارد این میدان بشود والا این قافله تا بحشر لنگ خواهد ماند .

نویسنده مقاله در پایان این مبحث بمسأله کار و لزوم کار میپردازد و تا اندازه ای سخنانی را بخاطر میآورد که نخست وزیر اخیر ، آقای اسداله علم درباره «بیکارگی» گفت جز اینکه ایشان نخواسته بودند که خود «بیکاری» راهم بهمان اندازه که در ممالک ما اهمیت پیدا کرده است مهم بشمار آورند و ایرادی هم برایشان نیست چون مقصود و منظور ایشان در آن موقع مبارزه با مرض شرم آور و مزمن «بیکارگی» بود . در هر صورت نویسنده مقاله ای که نقداً موضوع بحث ماست درین باره چنین اظهار نظر نموده است :

« مباحثات و مذاکرات کنفرانس گذشته از سیاست و اقتصاد نکته مهم دیگری را نیز در مد نظر میآورد و آن مسأله کار است . معروف است که یکی از نویسندگان فکاهی گفته است که انسان برای کار کردن خلق نشده است و اگر برای کار کردن خلق شده بود نیاستی که کار او را خسته نماید . وقتی انسان بعضی از مردم امروز دنیا را در مد نظر میآورد چنان مینماید که باین عقیده فکاهی معتقدند و آنرا سرمشق رفتار و شعار قرار داده اند . در خود فرنگستان هم درباره عشق ساکنین جزیره کورس و سیسیل و عربها به بطالت و بیکاری و فرار از کار خیلی حرفها و متلکها در افواه است و بعضی از محققین و منسویین بعلم اجتماعی هم این گریز از کار و

(1) "Nantis"

فعالیت را نتیجه آب و هوا و ضعف جسمانی و عدم کفایت خوراک معرفی میکنند و اما من معتقدم که بعضی تنبلیها تنبلی فطری و خدادادی است . و مردمی در روی کره ارض زیست میکنند که ابن‌الوقتند و غم و اندیشه فردا را ندارند و همینقدر که نفسی میکشند و عمری بسر می‌آورند و زیاد از گرسنگی در رنج و آزار نیستند بندگان شاکر و حقشناس خداوند رزاقند و ترس رزق و روزی فردا را ندارند و معلوم است که چنین مردمی در فکر ذخیره و احتیاط و ازدیاد رفاه خود نیستند و یا آنکه حصول چنین مقصودی را غیر مقدور و میسر می‌پندارند . باید دید که آیا فایده‌ای دارد که در راه کمک بآنها قدمی برداریم و یا آنکه آیا همین کمک را وسیله قرار نخواهند داد که بازهم از جاده سعی و کوشش دورتر بیفتند و بگویند خدا برای ما کمک فرستاد که کارهای ما را بکند دیگر چه لزومی دارد که ما خودمان را خسته کنیم .

نویسنده مقاله وقتی بدینجا میرسد بالحنی که ایمان استوار و فکر آزموده را میرساند مقاله خود را چنین پایان میرساند :

« درینجا نیز باز باید سعی وافر میدول داشت تا این مردم تربیت بیابند و منافع واقعی خود را درست تشخیص بدهند و بکار و رفاه رغبت پیدا نمایند و بآینده امیدوار بشوند و لهذا ما معتقدیم که برای بسیاری از این کشورهای « گروه سوم » مرجح است که آستین را بالا زده مشغول کار بشوند و با کدیمین و عرق جبین آشنائی پیدا کنند و بجای مقصر شمردن ممالک « توانگر » که متضمن فایده‌ای هم شاید نباشد مشغول کار بشوند و شکی نیست که اگر عده‌ای از نمایندگان دولتهائی که درین کنفرانس بزرگ ژنو شرکت دارند از همینجا آستینها را بالا میزدند و معنی و فایده کار کردن را درست میفهمند کار کنفرانس نه تنها ساعتها و روزها بلکه هفته‌ها و ماهها کوتاهتر و مختصرتر و سودمندتر میگردد . »

مقاله پایان رسید .

آیا میتوان منکر معانی و مطالبی گردید که درین مقاله مذکور گردیده است . ما باید از پاره‌ای جهات تغییر ماهیت بدهیم تا بآنجائی برسیم که آرزوی ماست یعنی برفاه و آسایش و رستگاری . پول و ثروت البته چیز خوبی است ولی اگر فهم و عقل و ادراک صحیح باشد بدست آوردن آن آنقدرها هم مشکل نیست . اما چیزی که اهمیت دارد درست بمصرف رسانیدن ثروت و پول است . سعدی که مرئی اخلاقی ما ایرانیانست فرموده « برای نهادن چه سنگ و چه زر » . میتوان گفت پولی هم که بد بمصرف برسد ثروت نیست و برای حیف و میل و مصرف بیهوده چه خاک و چه طلا .

امروز بعضی از ممالک کوچک عایدات سرشار دارند . بطوریکه اگر بطور تساوی مابین افراد آن کشورها قسمت شود شاید سهم هر فرد بیشتر از عایدات افراد (بمیزان متوسط) پاره‌ای از ممالک اروپا هم باشد ولی آیا این کشورها با آن ثروت سرشار متمدن و مرفه و آسوده شده‌اند . متمدن و مرفه شدن هم تعلیم و تربیت ممتد و عاقلانه لازم دارد . ما ایرانیان البته متمدنیم چیزی که هست تمدن جنیدهای گوناگون دارد از قبیل تمدن ادبی و معنوی ، تمدن هنری ، تمدن فنی و تکنیکی و تمدن رفاهی و خوشوقت مردمی که دارای تمام این انواع تمدن باشند واز نعمت آسمانی آزادی هم برخوردار باشند . تمدن ما ایرانیان بدبختانه از بعضی جنبه‌هایی که در فوق شمرده شد عاری و محروم است و یا بقدر کافی از آن بهره‌مند نیست و ما باید با ثروتی که خودمان داریم و با کمکی که دیگران بما می‌رسانند کوشش نمائیم که تمدن خودمان را کامل بسازیم و این امر مهم صورت نپذیرد مگر آنکه دارای تمدن اخلاقی هم بشویم یعنی ثروتی را که بما می‌رسد در راه صحیح بمصرف برسانیم .

ثروت هم وقتی بمصرف صحیح می‌رسد که اولاً و قبل از همه چیز بدست اشخاص درست و امین و با ایمان بمصرف برسد ، دوم آنکه در راه کاری یا کارهایی بمصرف برسد که در درجه اول اهمیت باشد و در مقام سوم از روی بصیرت و صداقت و صلاحیت بمصرف برسد یعنی از طریقی که فرنگیها « کومپاناس » میگویند ولی اگر شرط اول که درستی و وجدان داری و امانت و اخلاص و صداقت و عشق بخدمتگزاری و رغبت و شور نفع رساندن بخلق در میان نباشد کار مشکل می‌گردد یعنی کاری را که با وقت کم و انرژی اندک و مخارج محدود میتوان بطرز صحیح و استوار خدایسندانه و مردم‌پسند انجام داد در مدتی طولانی و با صرف انرژی بیهوده و فراوان و با مخارج سرشار خارج از اندازه بطرزی سست و طریقی نامعقول بمصرف خواهیم رسانید .

پس همانطور که نویسنده مقاله‌ای که موضوع این گفتار است تذکر داده قبل از همه چیز تربیت لازم داریم و متأسفانه باید تصدیق نمائیم که بطالت و سستی و بی‌اعتنائی و عدم توجه بمنافع و مصالح عمومی و معایب دیگری که من حیث‌المجموع میتوان آنرا سست اخلاقی و یا حتی فساد اخلاق خواند رسوخ زیاد و تأثیر ممتدی در مزاج و طبیعت ما پیدا نموده است بطوریکه رفع و دفع آن کارآسانی نیست که بتوان با امروز و فردا علاج نمود و لهذا درینجا نیز باز باید بحکم علم و عقل و تجربه عمل نمود و قبل از هر کاری اسباب تربیت افراد را فراهم ساخت و آشکار است که چنین پرورش و تربیتی شاید حتی بادرس و مدرسه تنها هم فراهم نگردد و

البته اگر چنین تربیتی متکی بپاره‌ای اصلاحات مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی واز همه بیشتر همراه با يك توزیع ثروت عادلانه نباشد ممکن است اثر دلخواه را نبخشد ولی باید خدا را شکر نمود که این امر بسیار مهم یعنی توزیع ثروت با اصلاحات ارضی در مملکت ما آغاز گردیده است و دارد مراتب و مدارج تحقق واز قوه بفعل آمدن را می‌پیماید .

دولت ما نیز هیئتی بکنفرانس بزرگ ژنو اعزام داشته است . خوشبختانه این هیئت مرکب است از اشخاص وارد و مطلع که وظیفه خود را میخواهند بنحو خوبی انجام بدهند و لهذا دست و پا میکنند که هر ساله مبلغی برعایدات خزانه مملکت ما بیفزایند . بدیهی است که پول چیز خوبی است و مانند همت و بصیرت و امانت از عوامل و مصالح لازم رفاه و ترقی بشمار میرود وازینرو سعی و کوشش هیئت اعزامی مشکور است و امیدواریم بادت پر مؤید و موفق وظیفه محوله خود را انجام داده بوطن برگردند . چیزی که هست چنانکه تقی‌زاده گفته است چه بسا در محیط ما پول را با فضل خوردن صرف میکردند پس باید همت گماشت که پولی که بدست می‌آید بمصرف صحیح برسد و حیف و میل و باصطلاح ملاخور نشود والا اگر نه چنین باشد هیچ اهمیتی ندارد که پولی وارد صندوق و خزانه دولت میگردد قدری بیشتر و یا اندکی کمتر باشد .

امروز در مملکت ما آثار اصلاح و پیشرفت در بسیاری از شئون و امور مشهود است و امیدواریم که در مصرف عواید عمومی هم تجدیدنظر اساسی بعمل آید و اگر اصلاحی بعمل آمده تکمیل یابد .

برای افزودن (در صورت امکان) بمقاله « کنفرانس عظیم تجارتي » که سابقاً در پاكتی بآدرس سمینار و مجله مسائل ایران باسم حضرت آقای ابراهیم خواجه‌نوری فرستاده شده است :

منشی کل کنفرانس بازرگانی در گزارش رسمی خود که بصورت کتاب قطوری در اختیار نمایندگان دولتها در کنفرانس گذاشته شده است تذکر داده است که یکی از مقاصد اساسی این کنفرانس این است که سطح ترقی ممالک عقب افتاده را بالا ببرند و درین خصوص چنین توضیح داده است که فعلا سطح ترقی این ممالکی که در حال پیشرفت و توسعه هستند (۱) رویهمرفته در هر سال از قرار ۶ و ۷ در صد است و منظور ازین کنفرانس عظیمی که در دنیا بی سابقه است این است که این میزان را به ۵ در صد برساند (یعنی اگر میزان ترقی کنونی را در سال چهار توعمان و چهار ریال فرض کنیم

(۱) خدا بخواهد کشور ما ایران را جزء این ممالک بشمار

نیاورده باشند .

این میزان را برسانند به ۵ تومان در سال) .
 گزارش نامبرده تصریح نموده است که اگر این مقصود بعمل آید و از قوه بفعول آید بر طبق حسابهای که کارشناسان و متخصصین با خبرت و بصیرت بین‌المللی نموده‌اند کشورهایی که مورد نظر و در حال ترقی و توسعه هستند در ۸۰ سال دیگر بپای ممالک اروپائی غربی خواهند رسید (مقصود وضع این ممالک اروپائی در حال و زمان حاضر است) و برای رسیدن بپایه زندگی آمریکای امروز ۱۲۰ سال لازمست و حتی بعضی از این ممالک که میزان ترقی کنونی آنها کمتر است در ۲۰۰ سال دیگر بپایه ممالک نامبرده یعنی کشورهای اروپای غربی خواهند رسید .
 پس آیا جا ندارد که بگوئیم فاعثی را یا اولو الابصار (والاذن) .
 پایان



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

(۱) Vercosin درسی و پنچ فرسنگی ژنو همان دهکده کوهستانی است که در تابستان سال گذشته از طرف « انجمن ملی سویس برای یونسکو » (از شعبات وزارت خارجه سویس) بمنظور آشنا ساختن معلمین مدارس متوسطه و دبیرستانهای پسرانه و دخترانه قسمت فرانسه زبان سویس با تمدن و فرهنگ و زبان و ادب و هنرهای ایران و تاریخ آن کشور یک سلسله سخنرانیهای ترتیب داده شد و راقم این سطور هم سعادت و افتخار شرکت در آنرا حاصل نمود .